



## سوالات آزمون سراسری ۹۲

زبان عمومی و تخصصی

**Part A: Vocabulary****Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3) or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.**

- 1- Yet life is not literature, nor is literature life; the two are ..... .  
1) consistent                      2) distinct                      3) temporary                      4) adequate
- 2- The hurricane would not have had such a/an ..... effect on the coastal village had the storm surge not arrived during an abnormally high tide.  
1) devastating                      2) ultimate                      3) calculating                      4) obligatory
- 3- Federica expressed doubt about the existence of true altruism, claiming that no one makes a ..... without expecting to receive something in return in one form or another.  
1) facility                      2) hypothesis                      3) premise                      4) sacrifice
- 4- As a supporter of the value of free trade, Bennett was often called upon to give speeches around the world ..... the virtues of unencumbered commerce.  
1) monitoring                      2) purchasing                      3) praising                      4) exchanging
- 5- The efforts to revive the local economy after the departure of the town's largest employer were eased by the construction of a new arts center that would infuse the community with much-needed ..... .  
1) revenue                      2) scheme                      3) schedule                      4) survival
- 6- Eagerly advocating rehabilitation, Gena has always believed that individuals who have been imprisoned deserve the opportunity to return to society as ..... citizens.  
1) voluntary                      2) crucial                      3) productive                      4) internal
- 7- With ..... approval, the parliament accepted the new law that would prohibit companies from discriminating according to race in their hiring practices.  
1) intrinsic                      2) fanatical                      3) sporadic                      4) unanimous
- 8- Many medical researchers now believe that there is such a thing as being too clean. The "hygiene hypothesis" suggests that excessively sanitary conditions can ..... a person's resistance to disease.  
1) initiate                      2) diminish                      3) abandon                      4) undertake
- 9- One popular misconception is that these subsidies produce lower food prices, and so are a ..... to consumers. This analysis ignores the fact that consumers are also paying for these subsidies through taxes.  
1) transfer                      2) device                      3) boon                      4) status
- 10- As one of the most popular writers of the 20<sup>th</sup> century, Jack Kerouac authored several books that ..... to a wide variety of readers.  
1) appeal                      2) attribute                      3) appear                      4) devote

**Part B: Cloze Test****Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3) or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.**

The climate is expected to increasingly shape and ...(11)... by cities. In a vicious circle, climate change will increase energy demand for air conditioning in cities ...(12)... will add to greenhouse gas emissions. It could also raise temperatures in urban areas ...(13)... 2–6°C. "Heat, pollution, smog and ground-level ozone [from cities] affect surrounding areas. Reducing agricultural yields, increasing health risks and ... (14)... tornadoes and thunderstorms. ... (15)... on urban water supplies are expected to be dramatic," the report says. Cities like New Delhi, in the drier areas, will be hit particularly hard.

## پاسخنامه آزمون سراسری ۹۲

## زبان عمومی و تخصصی

## قسمت A: واژگان

راهنمایی: کلمه یا عبارت (۱) و (۲) و (۳) یا (۴) که به بهترین نحو جمله را کامل می‌کند انتخاب کنید. سپس جواب درست را در برگه پاسخ نامه مشخص کنید.

- ۱- گزینه «۲» با این وجود نه ادبیات، زندگی است و نه زندگی، ادبیات است. آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارند.  
 (۱) یکجور - سازگار (۲) متفاوت (۳) موقت - گذرا (۴) کافی - بس
- ۲- گزینه «۱» اگر در خلال جزر و مد بزرگ غیرعادی، موج بزرگ طوفان به آنجا نرسیده بود، تندباد نمی‌توانست اثر ویرانگری بر دهکده‌ی ساحلی بگذارد.  
 (۱) ویرانگر (۲) نهایی - پایانی (۳) حيله‌گر - مکار (۴) اجباری
- ۳- گزینه «۴» فدریکا در خصوص وجود ایثار واقعی شک داشت، او مدعی بود که هیچ کس بدون انتظار دریافت چیزی، از خودگذشتگی نخواهد کرد.  
 (۱) آسانی - استادی (۲) فرضیه (۳) فرض - قضیه (۴) قربانی - ایثار
- ۴- گزینه «۳» بنت به عنوان حامی ارزش تجارت آزاد، اغلب می‌رفت تا در سرتاسر جهان جهت تمجید از مزیت آن تجارت غیرمزاخم سخنرانی کند.  
 (۱) کنترل و تنظیم کردن (۲) خرید کردن (۳) تمجید کردن - ستودن - تعریف کردن (۴) رد و بدل کردن
- ۵- گزینه «۱» با ساختن یک مرکز هنری جدید که به عنوان یک منبع درآمد بسیار ضروری در فکر افراد محله القاء شده بود، تلاش‌هایی در جهت رونق مجدد به اقتصاد محلی، بعد از رفتن بزرگترین کارفرما، به عمل آمد.  
 (۱) درآمد (۲) طرح (۳) برنامه (۴) ماندگاری - بقاء
- ۶- گزینه «۳» با رغبت زیاد جهت توانبخشی، جنا همیشه اعتقاد داشت که افرادی که محبوس شده‌اند، سزاوار فرصتی هستند تا به عنوان شهروندان مؤثر به جامعه باز گردند.  
 (۱) اختیاری - آزادی (۲) بسیار مهم - حیاتی (۳) مؤثر - ثمربخش (۴) درونی - داخلی
- ۷- گزینه «۴» پارلمان به اتفاق آراء قانونی را تصویب نمود که به موجب آن شرکت‌ها از شیوه‌ی استخدام فعلی خود که مبنی بر تبعیض نژادی است، منع می‌شوند.  
 (۱) اصل - ذاتی (۲) تعصب‌آور - جاهلانه (۳) تک و توک - پراکنده (۴) به اتفاق آراء
- ۸- گزینه «۲» بسیاری از پژوهشگران وابسته به دانش پزشکی، اکنون بر این باورند که چیزی به عنوان نظافت زیاد وجود دارد. فرضیه بهداشت نشان می‌دهد که شرایط بهداشتی زیاد از حد می‌تواند مقاومت فرد در برابر بیماری را کم کند.  
 (۱) آغاز کردن - راه انداختن (۲) کم کردن - کاستن (۳) رها کردن - ترک کردن (۴) تعهد کردن - به عهده گرفتن
- ۹- گزینه «۳» یک تصور غلط رایج این است که این یارانه‌ها بهای مواد غذایی را کاهش می‌دهند و به مشتریان سود می‌رسانند. این تحلیل‌ها، این حقیقت را نادیده می‌گیرند که مشتری‌ها برای دریافت این یارانه‌ها باید از طریق مالیات مبلغی بپردازند.  
 (۱) انتقال - جابجایی (۲) ابزار - دستگاه (۳) سود - بهره‌وری - لطف (۴) منزلت - مقام
- ۱۰- گزینه «۱» جک کرواک به عنوان یکی از مردمی‌ترین نویسندگان در قرن بیستم، چندین کتاب تألیف کرد که برای طیف وسیعی از خوانندگان جذابیت داشت.  
 (۱) جذابیت داشتن - جالب بودن (۲) نسبت دادن (۳) به نظر رسیدن - ظاهر شدن (۴) وقف کردن



کله ۱۱۶- نوع ایهام در بیت زیر کدام است؟

«ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب  
که بوی باده مدامم دماغ تر دارد»

- (۱) تبادر (۲) ترجمه (۳) تضاد (۴) استخدام

کله ۱۱۷- با توجه به رویکرد فرمالیسم و الگوی یاکوبسن، در زبان شاعرانه جهت‌گیری پیام به کدام سو است؟

- (۱) پیام (۲) خواننده (۳) گوینده (۴) بافت

کله ۱۱۸- سبک کدام نویسنده «رنالیسم جادویی» است؟

- (۱) صادق چوبک (۲) صادق هدایت (۳) ابراهیم گلستان (۴) غلامحسین ساعدی

کله ۱۱۹- مجموعه داستانی «سنگر و قمقمه‌های خالی» اثر کیست؟

- (۱) احمد دهقان (۲) بهرام صادقی (۳) رضا رهگذر (۴) جمال میرصادقی

کله ۱۲۰- کدام نظریه‌پردازان به ساختارگرایی منسوب‌اند؟

- (۱) ژنت - تودوروف (۲) یاکوبسن - باختین  
(۳) رولان بارت - دریدا (۴) هانس رابرت یاس - ولفگانگ آیزر



■ عین الاصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعریب (۱۲۱ - ۱۲۸)

کله ۱۲۱- «قالوا یا هود؛ ما جئتنا ببینه، و ما نحن بتارکی آلهتنا عن قولک، و ما نحن لک بمؤمنین»: گفتند ای هود؛ ..... .

- (۱) برای ما حجّتی روشن نیاورده‌ای و ما به‌خاطر سخن تو ترک‌کننده خدایان خود نیستیم و ما ایمان آورنده به تو نیستیم!  
(۲) برای ما بینه واضح نیاوردی و ما با سخنان تو آلهه خویش را رها نمی‌کنیم و ما از گروندگان به تو نخواهیم بود!  
(۳) با بینه‌ای روشن نزد ما نیامده‌ای، پس ما آلهه خویش را با گفته‌ای از تو ترک نمی‌کنیم، و ما به تو ایمان آورنده نخواهیم بود!  
(۴) آنچه برایمان آوردی حجّتی روشن نیست، پس ما خدایان خود را با سخن تو رها نمی‌کنیم و ما از مؤمنین به تو نیستیم!

کله ۱۲۲- «یُحاسب الله الخلق علی کثرتهم کما یرزقهم علیها، و فی الحساب و الرّزق لایرونه و هو یراهم!»:

- (۱) محاسبه خداوند در مورد مردم در حالی است که آن‌ها زیادند و روزی‌دهنده هم خداست، با اینکه مردم او را نمی‌بینند اما خدا آن‌ها را می‌بیند!  
(۲) خداوند کثرت مردم را محاسبه می‌کند و روزیشان می‌دهد و در این روزی و حسابرسی هرگز کسی او را نمی‌بیند در حالی که او آن‌ها را مشاهده می‌کند!  
(۳) این خداست که با وجود اینکه تعداد مخلوقات بسیار است آن‌ها را حسابرسی کرده روزی می‌دهد و در این دو حالت آن‌ها او را نمی‌بینند و حال اینکه او همه را می‌بیند!  
(۴) خداوند با وجود زیاد بودن مردم حساب آن‌ها را می‌رسد همانگونه که روزیشان را می‌دهد با وجود زیاد بودن و در محاسبه و روزی او را نمی‌بینند در حالی که او آن‌ها را می‌بیند!

کله ۱۲۳- «الأقصوصة لا یشرط فیها أن تصل إلى غایة مرسومة بل یجب أن تكون لها طريقة أداء قویة لأنّها تعتمد علیها قبل اعتمادها علی الحادثة لأنّ الفرصة فیها محدودة!»:

- (۱) در قصه کوتاه شرط نیست که به هدفی تعیین شده برسد بلکه باید دارای روشی قوی در بیان باشد، چون قصه کوتاه قبل از آنکه بر حادثه تکیه کند، بر آن روش تکیه می‌کند، چه فرصت در آن محدود است!  
(۲) قصه کوتاه حتماً نباید دارای هدفی از پیش تعیین شده باشد، بلکه باید در بیان اسلوبی قوی داشته باشد، زیرا تکیه آن پیش از آنکه بر حوادث باشد بر نحوه بیان است، چون فرصت محدودی در اختیار دارد!  
(۳) در قصه کوتاه شرطی وجود ندارد که حتماً دارای هدفی معین باشد، بلکه باید از روشی قوی برای بیان حوادث برخوردار باشد، زیرا ابتدا به آن تکیه دارد نه بر حادثه، و زمان در آن محدودیت دارد!  
(۴) در قصه کوتاه شرط نکرده‌اند که به هدفی ترسیم شده برسد، اما باید روش بیانی قوی داشته باشد، چون اعتماد قصه کوتاه بر نحوه بیان است نه حوادث آن، چون فرصت کوتاهی در اختیار آن است!

کله ۱۲۴- عین الخطأ:

- (۱) لا تسمع فی کلام الأشرار: سخن اشرار را از من مپرس!  
(۲) اختار الوحدة علی المخالطة: تنهایی را بر معاشرت ترجیح داد!  
(۳) لست أقول هذا کراهةً للموت: این را به‌خاطر بیزاری از مرگ نمی‌گوییم!  
(۴) قد یزعجني بقاؤک و لو طرفة عین: ماندن تو حتی به اندازه یک چشم برهم زدن ممکن است مرا ناراحت کند!



۱۲۵- یاخفاء شمس ضوؤها متكامل!«. عین المناسب للمفهوم:

- ۱) آفت از ضعف چشم خفایش است!
- ۲) چون گشت آفتاب جهانتاب ناپدید!
- ۳) کجا تواند خورشید را به گل اندود!
- ۴) خورشید چه سود آن را کورا بصری نیست!

۱۲۵- و قد سار ذکری فی البلاد، فمن لهم

- ۱) نور خورشید در جهان فاش است
- ۲) نور از کجا به روزن بیچارگان فتد
- ۳) حسود کو شد تا فضل من بیوشد لیک
- ۴) کرسی چه کند آنکه ندارد خیر از علم

۱۲۶- «ألی الماء یسعی من یغصّ بریقه

- ۱) غرقه در بحر چه اندیشه کند طوفان را!
- ۲) أنا الغریق فما خوفی من البلبل!
- ۳) چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی!
- ۴) ما لا یدرک کله لایترک کله!

۱۲۶- «ألی الماء یسعی من یغصّ بریقه

- ۱) غرقه در بحر چه اندیشه کند طوفان را!
- ۲) أنا الغریق فما خوفی من البلبل!
- ۳) چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی!
- ۴) ما لا یدرک کله لایترک کله!

۱۲۷- «و تعبیر با کمترین اختلاف نمی‌توانند یک صورت واحد از یک تجربه احساسی معین را ترسیم کنند!»:

- ۱) لیس فی مقدرة التعبیرین اللاتین المختلفین ترسیم صورة عن إحساس واحد معین!
- ۲) لا یقدر التعبیران المختلفان إختلافاً قلیلاً، رسم صورة معینة عن تجربة شعوریة!
- ۳) لا یمکن أن یرسم تعبیران مختلفان أقلّ إختلاف أیّ صورة واحدة عن إحساس معین!
- ۴) لا یمکن أن یرسم إختلاف، أن یرسم صورة واحدة عن تجربة شعوریة معینة!

۱۲۸- «بمجرد اینکه این شاعر توانا قصیده‌ای غراً در هجو حاکم سرود، حاکم دستور داد او را دستگیر کنند و دستبند زنند و در زندان افکنند!»:

- ۱) بمجرد أن أخذ هذا الشّاعر القدير ینشد قصیدة حسناء فی هجو الحاکم، قبض علیه و رمی فی السّجن بعد أن کبّلت یداه!
- ۲) ما إن أنشد هذا الشّاعر المفلق قصیدة غراء فی هجاء الحاکم حتی أمر أن یرمى فی السّجن!
- ۳) لم یکن هذا الشّاعر المفلق ینشد قصیدة الغراء فی هجاء الحاکم، حتی ألقى القبض علیه بأمره و کبّلت یداه و رمی فی السّجن!
- ۴) بمحض أن أنشد هذا الشّاعر القدير قصیدة الحسنة فی هجو الحاکم، ألقى القبض علیه و أمر أن یرمى فی السّجن بعد تکبیل یدیه!

■ عین الصحیح عن التشکیل (۱۲۹ و ۱۳۰)

۱۲۹- «لا تک تغتر بمعمورة/ یعقبها الهدم أو الانتقال!»:

- ۱) تَغْتَرُّ - مَعْمُورَةٌ - الْهَدْمُ - الْإِنْتِقَالُ
- ۲) لَاتُكَّ - تَغْتَرُّ - مَعْمُورَةٌ - يَعْقَبُ
- ۳) مَعْمُورَةٌ - يَعْقَبُ - الْهَدْمُ - الْإِنْتِقَالُ
- ۴) تَكَّ - تَغْتَرُّ - يَعْقَبُ - الْهَدْمُ

۱۳۰- عین الخطأ:

- ۱) إن كثيراً من الكتاب فی كل إنجازاتهم الأدبية،
- ۲) يتبعون الشكل الحلزوني و ليس الشكل الهرمي،
- ۳) بمعنى أنهم يحومون و يدورون محاولين نقل حالة
- ۴) و ليس الوصول إلى نتيجة يمكن توظيفها في مجالات مختلفة

■ عین الصحیح فی الاعراب و التحلیل الصرفی (۱۳۱- ۱۳۳)

۱۳۱- (فذكر بالقرآن من يخاف وعيد):

- ۱) ذکر: فعل أمر - مزید ثلاثی (من باب تفعیل) - صحیح و مضاعف (إدغامه واجب) / فعل و فاعله ضمیر «أنت» المستتر فيه وجوباً
- ۲) يخاف: مضارع - معتل و أجوف (إعلاله بالقلب) - متعد / فعل و مع فاعله جملة فعلية و صلة عائدها محذوف تقديرية «يخافه»
- ۳) وعيد: مفرد مذكر - معرف بالإضافة / مفعول به و منصوب تقديرأ، و ضمير الياء للمتكلم محذوف و هو مضاف إليه
- ۴) من: اسم غير متصرف، من أدوات الشرط الجازمة - نكرة - مبني على السكون / مفعول به و منصوب محلاً

۱۳۲- «و ما من ظالم إلا و يبلى و إن طال المدى، يوماً بأظلم!»:

- ۱) يوماً مفرد مذكر - جامد - نكرة - معرب - صحيح الآخر - منصرف / ظرف أو مفعول فيه للزمان و منصوب و متعلقه فعل «طال»
- ۲) يبلى: مضارع - معتل و ناقص (له الاعلال بالقلب) - متعد - مبني للمجهول / فعل مرفوع تقديرأ و نائب فاعله ضمير «هو» المستتر فيه جوازاً
- ۳) أظلم: مشتق و صفة مشبهة (مصدره: ظلم) - معرب - ممنوع من الصرف / مجرور بحرف الجر؛ بأظلم: جار و مجرور و متعلقهما فعل «يبلى»
- ۴) طال: ماضٍ - مجرد ثلاثی - معتل و أجوف (إعلاله بالقلب) - لازم - مبني للمعلوم - مبني على الفتح / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر فيه جوازاً



۱۱۷- گزینه «۱» برای پاسخ دادن به این سؤال لازم است نخست نقش‌های زبانی را در نظریه یاکوبسن را بررسی کنیم، سپس زبان شاعرانه را از منظر وی مطالعه نماییم. یاکوبسن به دنبال پاسخ به این سؤال که چه عاملی پیام کلامی را به اثری هنری مبدل می‌سازد، با توجه به شش جزء تشکیل‌دهنده فرایند ارتباط (گوینده، مخاطب، مجرای ارتباطی، رمز، پیام و موضوع) زبان را دارای شش نقش متفاوت می‌داند که مکمل یکدیگرند. به اعتقاد وی گوینده به کمک یک رمزگان (مثلاً زبان فارسی) پیامی را از طریق یک مجرای ارتباطی به شنونده منتقل می‌سازد و به کمک آن پیام به موضوعی اشاره می‌کند. مجرای ارتباطی در حین صحبت کردن دو نفر همان هوایی است که اجازه می‌دهد آواها از دهان گوینده به گوش شنونده برسد. پیام از سوی فرستنده رمزگذاری و از سوی گیرنده رمزگشایی می‌شود. موضوع پیام در اصل گزاره‌هایی است که در پاره گفتار نهفته‌اند. یاکوبسن این شش عامل تشکیل‌دهنده فرایند ارتباط را تعیین‌کننده نقش‌های زبان می‌داند. وی بر این عقیده است که در هر یک از نقش‌های شش‌گانه زبان، جهت‌گیری پیام به سمت یکی از عوامل سازنده فرایند ارتباط می‌باشد. اصطلاح جهت‌گیری در اینجا به معنی این است که پیام تولیدشده از سوی گوینده بیشتر متوجه کدام یک از عوامل سازنده فرایند ارتباط است.

نقش عاطفی: در نقش عاطفی زبان، به اعتقاد یاکوبسن جهت‌گیری پیام به سمت گوینده است.

نقش ترغیبی: در نقش ترغیبی زبان، جهت‌گیری پیام به سمت شنونده (مخاطب) است. گوینده پیامی را به شنونده منتقل می‌کند که به کنش از سوی شنونده منجر می‌شود.

نقش ارجاعی: در نقش ارجاعی زبان، جهت‌گیری پیام به سمت موضوع پیام و یا گزاره است که در پاره گفتار تولیدشده از سوی گوینده نهفته است.

نقش فرازبانی: در نقش فرازبانی، جهت‌گیری پیام به سمت رمزگان است. به اعتقاد یاکوبسن هرگاه گوینده یا مخاطب یا هر دوی آنها احساس کنند لازم است از مشترک بودن رمزی که استفاده می‌کنند مطمئن شوند، جهت‌گیری پیام به سوی رمز خواهد بود. در این شرایط زبان درباره خود زبان به کار می‌رود.

نقش همدلی: در همدلی جهت‌گیری پیام به سمت مجرای ارتباطی است. در این نقش آن دسته پیام‌هایی مورد نظر می‌باشند که نقش اصلی‌شان عبارت است از ایجاد ارتباط، تداوم آن و یا قطع ارتباط، حصول اطمینان از برقراری مجرای ارتباط و یا جلب توجه مخاطب و اطمینان از اینکه او همچنان به گفته‌هایش توجه دارد. در این مورد می‌توان به عبارتی نظیر «صدایم را شنیدی؟» اشاره کرد.

نقش شعری: در این نقش جهت‌گیری پیام به سمت خود پیام است و شکل ظاهری پیام بیشتر مورد توجه است. یاکوبسن این نقش زبان را نقش شعری یا شعریت می‌نامد.



۱۱۸- گزینه «۴» رئالیسم جادویی سبک نسبتاً نوینی است که هرچند بیشتر تداعی‌گر نام آمریکای جنوبی و به ویژه گابریل گارسیا مارکز است، اما خاص ملل جهان سوم است. در داستان‌های این سبک، واقعیت و خیال در هم گره می‌خورند، به گونه‌ای که واقعیت بر خیال سیطره دارد، نه خیال بر واقعیت. از میان داستان‌نویسان فارسی، غلامحسین ساعدی در برخی از آثار خویش به این سبک گرایش دارد. این گونه داستان‌های ساعدی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: داستان‌هایی که به سبک رئالیسم جادویی نوشته شده‌اند و داستان‌هایی که تنها رگه‌هایی از رئالیسم جادویی را می‌توان در آن‌ها یافت.



۱۱۹- گزینه «۲» سنگر و قمقمه‌های خالی مجموعه داستانی از بهرام صادقی (۱۳۶۳-۱۳۱۵) نویسنده ایرانی است که در سال ۱۳۴۹ و در انتشارات زمان، منتشر شد. برخی از این داستان‌ها بهترین نمونه‌های داستان کوتاه در ادبیات فارسی است. داستان «با کمال تأسف» که به ابوالحسن نجفی تقدیم شده از این نمونه است. برخی دیگر از داستان‌های این مجموعه هم به لحاظ دستاورد ساختاری‌شان قابل تأمل‌اند، مثل داستان عافیت که ساختاری اپیزودیک دارد.



۱۲۰- گزینه «۱» ساختارگرایی مفهومی چندوجهی است. اصل این کلمه را که از زبان‌شناسی برخاسته است، انسان‌شناسان، منتقدان ادبی، فیلسوفان و ریاضی‌دانان اقتباس کرده و هر یک به آن جهتی متفاوت و معنایی نسبتاً متفاوت داده‌اند. اصطلاح ساختارگرایی در زبان‌شناسی را نخست رومن یاکوبسن استفاده کرد که او نیز این اصطلاح را از آثار فردینان دوسوسور بیرون کشیده بود. بر این اساس می‌توان گفت ساختارگرایی با نظریات سوسور در زبان‌شناسی آغاز شده و از آنجا به علوم دیگر راه یافته است. تودوروف و ژرار ژنت از نظریه‌پردازان ساختارگرا در دوران معاصرند.



۱۲۱- گزینه «۱» قالوا: گفتند / جاء ب: آوردی، ماجئتنا ب: برای ما نیاوردی / بینه: حجت روشن / تارکین: ترک‌کنندگان / آلهة: خدایان / قول: سخن / مؤمنین: ایمان آورندگان.

با توجه به ترجمه واژگان فوق، گزینه (۱) صحیح است.

در گزینه (۲) واژه «قول: سخن» را که مفرد است به صورت جمع «سخنان» ترجمه نموده و نادرست است. همچنین واژه «مؤمنین» را که می‌توان به صورت مضارع «نؤمن: ایمان می‌آوریم» ترجمه نمود، به اشتباه «گروندگان خواهیم بود» یعنی مضارع مستقبل ترجمه شده که نادرست است. در گزینه (۳) فعل «جاء ب: آورد» را به اشتباه «نیامده‌ای» ترجمه نموده که نادرست است و همچنین «ایمان آورنده خواهیم بود» هم اشتباه ترجمه شده و باید به صورت «حال» ترجمه شود نه «آینده». در گزینه (۴) فعل «ما جئتنا ب: برای ما نیاوردی» به صورت مثبت ترجمه شده «برایمان آوردی» که نادرست است. همچنین حرف نفی «ما» به صورت «موصول» ترجمه شده که اشتباه است.



۱۲۲- گزینه «۴» یحاسب: محاسبه می‌کند، حسابرسی می‌کند / الخلق: مردم / علی کثرتهم: باوجود زیاد بودنشان / کما: همانگونه که / یرزقهم: آنها را روزی می‌دهد / علیها: باوجود زیاد بودن، مرجع ضمیر «ها» کثرت است / الحساب: محاسبه / الرزق: روزی / لایرونه: او را نمی‌بینند / یراهم: آنها را می‌بینند. با توجه به ترجمه واژگان فوق، گزینه (۴) صحیح است.

در گزینه (۱) فعل «یحاسب: محاسبه می‌کند» را به اشتباه «محاسبه خداوند» ترجمه نموده که نادرست است، همچنین فعل «یرزقهم: آنها را روزی می‌دهد» را به اشتباه «روزی‌دهنده هم خداست» ترجمه نموده که نادرست است. در گزینه (۲) واژه «علیها: با وجود زیاد بودن» ترجمه نشده، همچنین واژه «هرگز» در عبارت سؤال نیامده، لذا اضافی است. فعل «لایرون: نمی‌بینند» نیز جمع است، اما در این گزینه به اشتباه به صورت مفرد «نمی‌بیند» ترجمه شده است. در گزینه (۳) عبارت «با وجود اینکه تعداد مخلوقات بسیار است» نادرست است و معنای عبارت سؤال را نمی‌رساند، همچنین فعل «یحاسب» مضارع است، در حالی که در این گزینه به اشتباه به صورت ماضی «حسابرسی کرده» ترجمه شده است.

۱۲۳- گزینه «۱» الأقصوة: قصه کوتاه / لایشترط: شرط نیست / أن تصل: برسد / غایة مرسومة: هدفی تعیین شده / یجب: واجب است، باید / طريقة أداء قویة: روش قوی در بیان / تعتمد علی: اعتماد می‌کند، تکیه می‌کند / الفرصة: فرصت، زمان. با توجه به ترجمه واژگان فوق، گزینه (۱) صحیح است.

در گزینه (۲) فعل «أن تصل ب: برسد» ترجمه نشده است و همچنین واژه «الحادثة» مفرد است و به اشتباه به صورت جمع «حوادث» ترجمه شده است. همچنین مرجع ضمیر «ها» در «علیها»، واژه «طريقة: روش» است که به اشتباه «نحوه بیان» عنوان شده است. در گزینه (۳) فعل «أن تصل ب: برسد» ترجمه نشده است و نیز واژه «الحادثة» که مفرد است به اشتباه به صورت جمع «حوادث» ترجمه شده است. همچنین واژه «قبل: پیش از» و «لأن: برای اینکه، چون» در این گزینه ترجمه نشده است. و در گزینه (۴) فعل «لایشترط: شرط نیست» به اشتباه «شرط نکرده‌اند»، ترجمه شده است. عبارت «طريقة أداء قویة» را که یک ترکیب اضافی و وصفی است و باید به صورت «روشی قوی در بیان» ترجمه شود، به اشتباه «روش بیانی قوی» ترجمه شده که نادرست است و واژه «الحادثة» به صورت جمع «حوادث» ترجمه شده که نادرست است.

۱۲۴- گزینه «۱» در این سؤال داوطلب به راحتی می‌تواند با ترجمه واژه «سَمِعَ - یَسْمَعُ: شنیدن» به پاسخ درست دست یابد. در گزینه (۱) فعل امر «تَسْمَعُ فِی» یعنی «از من مشنو» بنابراین عنوان نمودن «مپرس» نادرست است و تعریب صحیح «مپرس»، «لأتسأل» می‌باشد.

۱۲۵- گزینه «۳» ترجمه بیت چنین است: «نام و آوازه من در سرزمین‌ها جاری گشته است، پس چه کسی از آن‌ها می‌تواند خورشیدی را که نورش همه جا را فراگرفته، پنهان کند».

مفهوم بیت این است که «آوازه و شهرت من عالم‌گیر است و هیچ‌کس نمی‌تواند این برتری را نادیده انگارد همانگونه که نمی‌توان پرتو خورشیدی را که همه جا را روشن نموده از دیدگان پنهان نمود، لذا این مفهوم تنها با گزینه (۳) قرابت معنایی دارد.

۱۲۶- گزینه «۳» معنای بیت چنین است: «هرکس که آب در گلویش گیر کند آب می‌خورد اما آگه آب در گلویش بشکند چه اتفاقی می‌افتد». که این معنا و مفهوم تنها با گزینه (۳) قرابت معنایی دارد.

۱۲۷- گزینه «۴» نمی‌توانند: لایستطیع / دو تعبیر: تعبیران / کمترین اختلاف: أدنی إختلاف / ترسیم کنند: أن یرسما / صورت واحد: صورة واحدة / تجربه احساس معین: تجربة شعوریة معینة.

با توجه به تعریب واژگان فوق، گزینه (۴) صحیح است. در گزینه (۱) عبارت «کمترین اختلاف: أدنی إختلاف» تعریب نشده است. همچنین واژه «واحدة» در «صورت واحد» تعریب نشده است و نیز واژه «تجربه: تجربة» هم در این گزینه تعریب نشده است. در گزینه (۲) واژه «معین» تعریب نشده است و همچنین واژه «واحد» نیز در این گزینه تعریب نشده است و در گزینه (۳) واژه «تجربه» تعریب نشده است. همچنین واژه «أی» در این گزینه اضافی است و در عبارت سؤال به آن اشاره‌ای نشده است.

۱۲۸- گزینه «۲» نکته: تعریب «حرف نفی + فعل ماضی + حتّی + فعل ماضی» به مجرد اینکه، به محض اینکه. شاعر توانا: الشاعر المفلق / قصیده‌ای غرّاء: قصیده غرّاء / هجو: هجاء / سرود: أنشد / دستور داد: أمر / او را دستگیر کنند: یلقى القبض علیه / دستبند زنند: یكبّل / در زندان افکنند: یرمی فی السجن.

با توجه به تعریب واژگان فوق، گزینه (۲) صحیح است. در گزینه (۱) عبارت «حاکم دستور داد: أمر الحاکم» تعریب نشده است و در گزینه (۳) واژه «قصیده‌ای» نکره است که به اشتباه به صورت معرفه تعریب شده «قصیده‌ای غرّاء»، لذا نادرست است. در گزینه (۴) نیز عبارت «قصیده‌ای غرّاء: قصیده غرّاء» که «نکره» می‌باشد را به صورت «معرفه» تعریب نموده «قصیده‌ای حسنه» که نادرست است.

۱۲۹- گزینه «۱» تشکیل و حرکت گذاری صحیح بیت چنین است:

«لَا تَكُ تَعْتَرَّ بِمَعْمُورَةٍ يَعْقِبُهَا الْهَدْمُ أَوْ الْإِنْتِقَالَ»

با توجه به حرکت گذاری فوق، گزینه (۱) صحیح است.

در گزینه (۲) «تَعْتَرَّ» فعل مضارع مرفوع است که به اشتباه منصوب آمده همچنین فعل «يَعْقِبُ» از باب «تفعیل» می باشد؛ لذا مضارع آن به صورت «يُفَعِّلُ» می آید، و «يَعْقِبُ» نادرست است. در گزینه (۳) «يَعْقِبُ» نادرست است همچنین واژه «الانتقال» معطوف و مرفوع به تبعیت از اعراب معطوف علیه «الهدم» می باشد؛ لذا عنوان نمودن آن به صورت منصوب «الانتقال» نادرست است و در گزینه (۴) فعل «تَكُ»، نون حذف شده و به صورت «لَا تَكُ» آمده؛ لذا عنوان نمودن آن به صورت مجزوم «تَكُ» نادرست است همچنین تعریب فعل «يَعْقِبُ» نادرست است و صحیح آن «يَعْقِبُ» می باشد.

۱۳۰- گزینه «۳» در گزینه (۳) واژه «حالة» نادرست حرکت گذاری شده است؛ زیرا اعراب این واژه مضاف الیه و مجرور است، لذا باید به صورت مجرور «حالة» عنوان شود.

۱۳۱- گزینه «۳» در گزینه (۱) واژه «ذَكَرُ» صحیح و سالم است و ماده اصلی آن سه حرف «ذ ک ر» می باشد، لذا عنوان نمودن «مضاعف (دغامه واجب)» نادرست است.

در گزینه (۲) فعل «یخاف» به همراه فاعلش، صلة می باشد که عائد آن ضمیر مستتر «هو» است؛ لذا عنوان نمودن «عائدها محذوف» نادرست است. در گزینه (۴) واژه «مَنْ» اسم موصول است؛ لذا عنوان نمودن «من أدوات الشرط الجازمة» نادرست است.

۱۳۲- گزینه «۲» در گزینه (۱) متعلق واژه «یوماً» فعل «ییلی» می باشد، لذا عنوان نمودن متعلقه فعل «طال» نادرست است. در گزینه (۳) کلمه «أظلم» مشتق و اسم تفضیل است؛ پس عنوان نمودن آن به صورت «صفة مشبهة» نادرست است. در گزینه (۴) فاعل فعل «طال» واژه «المدی» است که اعراب آن تقدیراً مرفوع می باشد؛ لذا عنوان نمودن فاعله ضمیر «هو» المستتر فیه جوازاً، نادرست است.

۱۳۳- گزینه «۲» در گزینه (۱) واژه «شاکي» اسم منقوص است، لذا عنوان نمودن صحیح الآخر نادرست است. در گزینه (۳) واژه «قتیلاً» حال مفرد و منصوب است، لذا عنوان نمودن «تمییز نسبة و منصوب» نادرست است. زیرا تمییز مصدر است و حال آنکه «قتیل» مشتق است.

در گزینه (۴) ضمیر «یاء» در «قاتلی» مفعول به و منصوب محلاً برای شبه فعل «قاتل» می باشد (کشنده است مراً) لذا عنوان نمودن «فاعل» لشبه الفعل «قاتل» نادرست است.

۱۳۴- گزینه «۱» هرگاه همزه ممدود جزء حرف اصلی کلمه باشد به هنگام ساختن جمع مؤنث از آن، همزه به حالت خود باقی می ماند و حذف نمی شود، مانند گزینه (۲) «هواء» که صحیح آن «هواءات» می باشد، لذا عنوان نمودن «هواوات» نادرست است.

و هرگاه الف اسم مقصور بدل از واو باشد، حرف «ة» از آن حذف می شود و حرف الف به واو قلب می شود، مانند گزینه (۳) «قناة» که صحیح آن «قنوات» می باشد، لذا عنوان نمودن «قنیات» نادرست است، زیرا حرف «الف» بدل از «واو» است. هرگاه همزه ممدود زائده باشد (بیش از سه حرف اصلی باشد) به «واو» قلب می شود، مانند گزینه (۴) «صحراء» که به هنگام ساختن جمع مؤنث سالم از آن، همزه به «واو» قلب می شود «صحراوات»، لذا عنوان نمودن «صحراءات» در این گزینه نادرست است. اما زمانی که الف مقصور بدل از «یاء» باشد، حرف «ة» از آن حذف می شود و حرف الف به «یاء» قلب می شود، مانند گزینه (۱) «قناة» که جمع مؤنث آن «قنیات» می باشد که در این گزینه به درستی به آن اشاره شده است.

۱۳۵- گزینه «۲» هرگاه بخواهیم به کلمه ای که جمع غیرعاقل است، «یاء» نسبت اضافه کنیم، ابتدا آن کلمه جمع را به مفردش برمی گردانیم؛ سپس به آخر آن «یاء» نسبت اضافه می کنیم، مانند گزینه (۱) کُتِبَ ← کتاب ← کتابی که در این گزینه به درستی به آن اشاره شده است.

هرگاه «الف» مقصور در رتبه چهارم اسمی واقع شود که دومین حرف آن ساکن باشد، در مورد نسبت به چنین اسمی دو وجه جایز است: ۱- حذف الف مقصور، مانند: عَلِيَا ← عَلِيَّ

۲- قلب الف مقصور به واو، مانند: عَلِيَا در گزینه ۲ ← عَلِيَّوِي، لذا عنوان نمودن عَلَوِي در این گزینه نادرست است.

و هرگاه الف تانیث مقصور در رتبه پنجم باشد، حذف آن واجب است، مانند: مُرْتَضِي در گزینه (۳) که نسبت آن «مرتضی» می باشد و به درستی به آن اشاره شده است و هرگاه اسمی بر وزن «فعلیة» باشد به هنگام نسبت بر وزن «فعلی» آورده می شود، به شرط آنکه معتل العین و مضاعف نباشد، مانند «صحيفة» در گزینه (۴) که به هنگام نسبت می گوئیم «صَحْفِيَّ» و به درستی به آن اشاره شده است.



## نظم فارسی

کله ۲۶- تصویر کدام مورد با سایر موارد متفاوت است؟

- (۱) برآمد شعریان از کوه موصل (۲) دم عقرب بتابید از سر کوه (۳) چنان کارگاه سمرقند شد (۴) ثریا چون منیژه بر سرچاه

کله ۲۷- مفهوم بیت زیر در کدام مورد به درستی آمده است؟

«گر نه ایزد ورا نمودی راه از خدایی کجا شدی آگاه»

- (۱) اگر خدای تعالی به خردمندان راه نمی نمود، محال بود بتوانند به کنه الهی واقف شوند.  
 (۲) اگر خداوند عشق را راهنمایی نمی کرد، چگونه از حقیقت ذات او آگاه می شد؟  
 (۳) بنده خردمند با ارشاد خداوند است که می تواند به فهم ذات الهی نائل شود.  
 (۴) به دلیل هدایت الهی است که عقل می تواند از هستی او آگاه باشد.

کله ۲۸- بیت زیر از زبان که و درباره چه کسی سروده شده است؟

«به خنجر سرش خسته در پیش من تنش خورده شیران آن انجمن»

- (۱) کی کاوس در سوگ سیاوش (۲) گشتاسب در سوگ اسفندیار (۳) رستم در سوگ سهراب (۴) فریدون در سوگ ایرج

کله ۲۹- مصرع دوم کدام بیت، درست معنی شده است؟

- (۱) جز از سیستان در جهان جای هست / جوانی مکن تیز منمای دست: از سر بی تجربگی، زود دست خودت را برای دشمن رو نکن.  
 (۲) فرامش تو را مهتران چون کنند / مگر مغز و دل پاک بیرون کنند: مگر اینکه روان و اندیشه ناپاک داشته باشند.  
 (۳) ندانست مرد جوان زال را / بیفراخت آن خسروی یال را: با خودبینی و خودپسندی رفتار کرد.  
 (۴) سیم روز گشتاسب آگاه شد / که فرزند او افسر ماه شد: به قدرت و پادشاهی رسید.

کله ۳۰- معنی کنایی مصرع دوم کدام بیت با ابیات دیگر تفاوت دارد؟

- (۱) وعده این چرخ همه باد بود وعده رطب کرد و فرستاد تود  
 (۲) چون که در این چاه چو نادان به باد داده تبر در طلب سوزنم  
 (۳) بسی خفتی کنون سر بر کن از خواب خری خیره مده بستان خیاری  
 (۴) پیش من سرکه منه تا نکنی در دل که بخری بدل سرکه سپندانم

کله ۳۱- مفهوم بیت زیر بر کدام مورد دلالت دارد؟

«گر عیالت بود دی فرزند و زن بر عیال اکنون چرا گشتی عیال»

- (۱) مذمت جوانی و خیره سری (۲) توصیف پیری و ناتوانی (۳) تشویق به عاقبت اندیشی (۴) نکوهش اعتماد بر زن و فرزند

کله ۳۲- کدام مورد از مفهوم بیت زیر دریافت می شود؟

«عیب ار چه درون پوست بهتر آیینة دوست دوست بهتر»

- (۱) عیب را نباید از دوست نهان داشت.  
 (۲) آئینه را توان پنهانکاری نیست.  
 (۳) عیب را نهفتن، عیب نیست.  
 (۴) عیب را باید از دوست نهان داشت.

کله ۳۳- مفهوم بیت زیر کدام است؟

«هر سخنی کز ادبش دوری است دست در او کش که به دستوری است»

- (۱) بدان که هر سخن ناهنجاری خلاف ادب نیست.  
 (۲) اگر سخن خلاف هنجاری دیدی، در خواندن آن مختاری.  
 (۳) اجازه داری هر سخن خلاف هنجار را از این کتاب پاک کنی.  
 (۴) اگر سخنان خلاف ادب در این کتاب دیدی، بدان که به فرمان دیگری است.

کله ۳۴- مفهوم بیت زیر کدام است؟

«ابر به باغ آمده بازی کنان ابر در باغ، شاخ و برگ درختان را شست و شو داد»

- (۱) ابر مانع رسیدن نور خورشید به درختان شد.  
 (۲) ابر در باغ، شاخ و برگ درختان را شست و شو داد.  
 (۳) ابر در باغ نور و حرارت خورشید را به بازی گرفته است.  
 (۴) ابر پرتو درخشان خورشید را مانند جامه پاک بر تن کرده است.



کج ۳۵- مراد مولوی از «محسن» در بیت زیر چیست؟

«چشمه آن آب رحمت، مؤمن است»

آب حیوان، روح پاک محسن است»

- (۲) کسی که خداوند را در حالت شهود عبادت می کند.  
(۴) سالک صبور و شاکر

- (۱) کسی که از خصائل انسانی و صفات بهیمی دور شده است.  
(۳) کسی که در مرحله علم الیقین است.

کج ۳۶- بیت زیر به کدام مورد اشاره دارد؟

«نیکوان را هست میراث از خوشاب»

آنچه میراثی است اورثنا الکتاب»

- (۲) سرمایه نیکبختی قرآن است.  
(۴) حقیقت از دلیل و برهان بی نیاز است.

- (۱) تکلیف باید به اندازه توانایی باشد.  
(۳) هر جنس مجذوب جنس خویش است.

کج ۳۷- با توجه به مصراع «أری مآثر محیای من مُحیاک»، شاعر.....

- (۲) نسیم حیات از رخ تو می جوید  
(۴) از آب زندگی شعر تو داد شربتش

- (۱) تو را می بیند و هر دم زیادت می شود دردش  
(۳) فروخت عطر عقل به هندوی زلف تو

کج ۳۸- مضمون بیت زیر چیست؟

«ور پلیدی درونت اندکی است»

صد نجس بیشی که این قله یکی است»

- (۲) نجاست تو با بالا رفتن و رسیدن به مقامات پاک نمی شود.  
(۴) به مقام بالا نمی رسی چون دیگران قبل از تو آن را به دست آورده اند.

- (۱) آب کر برای طهارت درون نداری.  
(۳) برای رسیدن به اوج قله باید نجاسات درونی را پاک کنی.

کج ۳۹- کدام بیت با این روایت مشهور در میان صوفیه که «ألفقرُ سوادُ الوجه فی الدارین»، تطابق دارد؟

- خوشدلی یافت در سیه رویی  
طربانگیز سرخ روی کم است  
طالب سوخته سیه رویی است  
با سیه رویی دو عالم باش

- (۱) زنگی زشت با بلاجویی  
(۲) با سیه روی خوشدلی به هم است  
(۳) تبش آتشی که دلجویی است  
(۴) راز دل گر همی نخواهی فاش

کج ۴۰- ابیات زیر در توصیف چیست؟

- در او همچنو خانه بی حد و بی مر  
به یک جا دو خواهر زن و دو برادر  
نهفته زنان زیر شویان خود در»

- «یکی خانه کردند بس خوب و دلبر  
«به خانه مهین در نشانند جفتان  
«دو زن خفته اند و دو مرد ایستاده»

- (۲) باور به مباح بودن ازدواج با محارم نزد زردشتیان  
(۴) چهار فصل

- (۱) فرزندان حضرت آدم که با خواهران خود ازدواج کردند.  
(۳) دنیا و چهار عنصر

کج ۴۱- در کدام مورد مفهوم بیت زیر درست بیان شده است؟

«سطح بیرونی محیط پل است»

«قدمی را که با قدم به قل است»

- (۱) حضرت موسی چون در کوه طور با خداوند گفتگو کرد، توانست از دریای نیل بدون پل بگذرد.  
(۲) بحر محیط نیاز به پل ندارد، هر کسی که به مقام کلیم الهی برسد، خودش همانند پل می گردد.  
(۳) اولیای الهی هر قدمی که برمی دارند در راه خداست؛ خواه این قدم در راه خشکی باشد خواه در دریا.  
(۴) کسی که با خداوند می تواند به گفتگو پردازد، چنان فضیلتی می یابد که دیگران را هم از دریا عبور می دهد.

کج ۴۲- از کدام بیت مفهوم بیت زیر دریافت می شود؟

«به دستانت به دست آرد، اگر خود پوردستانی»

«به ملک جم مشو غره که این پیران رویین تن»

- از آن رو در دلت جمع است مجموع پریشانی  
علم بر ملک باقی زن از این منزلگه فانی  
اگر زیر نگین داری همه ملک سلیمانی  
که در پایت سرافشانند اگر دستی برافشانی

- (۱) چو خواجه بسته ای دل در کمند زلف مه رویان  
(۲) چو می بینی که این منزل اقامت را نمی شاید  
(۳) رود هم عاقبت بر باد شادروان اقبال  
(۴) سماع انس می خواهی بیا در حلقه جمعی

۲۱- گزینه «۱» در این متن قید شده که فارسی میانه.....

- (۱) زبان خالص‌تری نسبت به فارسی جدید بود  
(۲) واژه‌های قرضی زیادی از عربی داشت  
(۳) هیچ تأثیر عمده‌ای در ادبیات نداشت  
(۴) به مدن دویست سال قدمت داشت

۲۲- گزینه «۴» زبان فارسی در کدام یک از این کشورها، جایگاه رسمی ندارد؟

- (۱) افغانستان و تاجیکستان (۲) تاجیکستان و بحرین (۳) تاجیکستان و ازبکستان (۴) بحرین و ازبکستان

۲۳- گزینه «۲» طبق متن، زبان فارسی.....

- (۱) تحت تأثیر مستقیم زبان لاتین بود  
(۲) به عنوان زبان رایج در بخش‌های غربی جهان اسلام و در شبه قاره هند استفاده می‌شد  
(۳) پنج سال است که زبان شاعران و شخصیت‌های شناخته‌شده در هند می‌باشد  
(۴) جهان اسلام را به غرب متصل کرد

۲۴- گزینه «۳» واژه "virtually" (تقریباً) در پاراگراف دوم با واژه ..... هم‌معنی است.

- (۱) کاملاً (۲) ظاهراً (۳) تا حدودی (۴) طبیعتاً

۲۵- گزینه «۱» کلمات عربی اصلی موجود در ترکی و اردو.....

- (۱) املای فارسی دارند (۲) بیشتر از کلمات فارسی هستند (۳) ریشه فارسی دارند (۴) تحت‌اللفظی و معتبرتر هستند

### نظم فارسی

۲۶- گزینه «۳» در تمام گزینه‌ها به جز گزینه (۳) تصویر و تشبیه مورد نظر درباره برآمدن ستارگان و روشنی ستارگان در شب است. به ترتیب شعریان (۱)، دم عقرب (۲) و ثریا (۴) اشاره به ستارگان و صور فلکی‌ای می‌کند که از اجتماع گوناگون ستارگان شکل گرفته‌اند. اما در گزینه (۳) تصویر سیاهی ابر در آسمان و بارش باران توصیف شده است.

۲۷- گزینه «۴» شعر از حدیقه سنایی، الباب الاوّل: در توحید باری تعالی و موضوع آن وصف عقل است. مفهوم بیت این است که اگر خداوند، عقل را راهنمایی نمی‌کرد، هرگز نمی‌توانست به وجود و شناخت خدا آگاه شود. ابیات پیش معنا را به روشنی بیان می‌کنند:

عقل عقل است و جان جانست او / آنکه زین برترست آنست او  
با تقاضای عقل و نفس و حواس / کی توان بود کردگار شناس  
گر نه ایـزد و را نمـودی راه / از خـدایی کجا شـدی آگاه

۲۸- گزینه «۴» شعر از شاهنامه فردوسی است در پادشاهی فریدون؛ جایی که فریدون بر ایرج سوگواری می‌کند چراکه بی‌گناه کشته شده است:

نهاده سر ایرج اندر کنار / سر خویشتن کرد زی کردگار  
همی گفت کای داور دادگر / بدین بی‌گناه کشته اندر نگر  
به خنجر سرش کنده در پیش من / تنش خورده شیران آن انجمن

و در ادامه از خدا می‌خواهد که از نژاد ایرج شخصی برآید که انتقام او را بگیرد.

۲۹- گزینه «۳» در گزینه (۳) یال افراختن یعنی گردن افراختن و گردن‌فرازی کردن، سرافرازی کردن و سر و سینه و گردن را راست کردن. قد علم کردن و بالیدن. اشاره به بهمین که زال را نمی‌شناسد (به جا نمی‌آورد) و با غرور و تبختر از او سراغ رستم را می‌گیرد. در گزینه (۲) مغز و دل پاک بیرون کنند؛ یعنی خالی از عقل و دل و بی‌عقل شوند؛ نه روان ناپاک. یعنی بزرگان هرگز تو را فراموش نمی‌کنند مگر آنکه عقل خود را از دست بدهند. در گزینه (۴) فرزند او افسر ماه شد یعنی فرزند او (اسفندیار) سودای تاج و تخت دارد، نه اینکه به پادشاهی رسید. در گزینه (۱) در عبارت تیز نممای دست، دست نمودن کنایه از قدرت ظاهر کردن و اظهار قوت و قدرت، اظهار جاه و سلطنت نمودن است، نه دست خود را رو کردن.

۳۰- گزینه «۱» ضرب‌المثل‌ها در تمام گزینه‌ها به جز گزینه (۱) به معنای چیز گرانی را با چیز ارزان مبادله کردن و یا فریب خوردن در معامله است؛ در حالی که در گزینه (۱) وعده رطب کرد و فرستاد تود (توت)، به معنای کلاه گذاشتن و کلاهبرداری است، نه کلاه رفتن سر آدم. مفهوم، برعکس گزینه‌های دیگر است. در بیت گزینه (۱) صحبت از فریب دنیا است که انسان را می‌فریبد. وعده رطب می‌دهد ولی توت تحویل می‌دهد.



گزینه (۳): خر دادن و خیار ستدن: چون گولان گرانی را به ارزانی بدل دادن. گزینه (۴): دکتر شفیع کدکنی در مورد «سرکه و سپندان» می‌نویسد: «سپندان خردل است و دارای طبیعتی گرم است و مصلح آن سرکه است که نوع رایج آن سرکه انگوری به اصطلاح طب قدیم سرد و خشک است. از قدیم اصطلاح سرکه و سپندان در شعر فارسی رواج داشته و این دو کلمه غالباً با هم آمده‌اند مثل خر به خیار دادن» (چیز گرانی را با چیز ارزان مبادله کردن) در گزینه (۲) تبر را داده (تبر را گم کرده) پی سوزن می‌رود (سوزن می‌خرد)، نظیر: خر دادن و خیار ستدن؛ چون گولان گرانی را به ارزانی بدل دادن:

صحبت او مخر و عمر مده زیراً جز که نادان نخرد کس به تبر سوزن

تمامی ابیات از ناصر خسرو است.

۳۱- گزینه «۲» در مصراع دوم عیال اول به معنای زن و فرزند است و عیال دوم به معنای محتاج. یعنی حالا که پیر شده‌ای چرا به عیال (زن و فرزند) عیال (محتاج) شده‌ای. و ظاهراً معنی تحت تکفل و سربرار و نانخور و جیره‌خوار و غیره می‌دهد، نه مطلق محتاج. عیال بودن بر کسی: تحمیل شدن بر او؛ محتاج بودن به وی؛ سربرار بودن. عیال کسی بودن: به وی محتاج بودن. شعر از ناصر خسرو است.

۳۲- گزینه «۱» مفهوم بیت: اگرچه بهتر است که عیب انسان پوشیده (در پوست) بماند اما چه بهتر که دوست مانند آینه، عیب دوست را ببیند و بگوید. شعر از لیلی و مجنون نظامی است. بخش پند دادن پدر مجنون را.

۳۳- گزینه «۳» مفهوم بیت: سخن شاعر باید ادیبانه و به‌هنجار باشد و گر نه بهتر است از آن چشم‌پوشی شود. هر سخنی را که از ادب دور است و خلاف هنجار است (کز ادبش دوری است) آن را از کتاب پاک کن (دست در او کش) چراکه اجازه این کار را داری (که به دستوری است). دستوری: اجازه. شعر از مخزن‌الاسرار نظامی است.

۳۴- گزینه «۲» جامه خورشید نمازی‌کنان (شستشوکنان) یعنی وضو که برای نماز می‌گیرند. نمازی کردن: پاک کردن، شستن، تطهیر کردن، آب کشیدن، پاکیزه کردن، غسل دادن و وضو گرفتن. یعنی ابر شاخ و برگ درختان را می‌شوید. شعر از مخزن‌الاسرار نظامی است.

۳۵- گزینه «۲» مؤمن چشمه و منبع آب رحمت است و آب حیات، همانا روح پاکِ نکوکار است. «محسن» در اینجا آن کسی است که حق تعالی را در حال شهود، عبادت می‌کند. چنانکه از حضرت رسول روایت شده که فرمود: «احسان این است که خدا را به گونه‌ای بپرستی که گویی او را می‌بینی و اگر او را نبینی او تو را می‌بیند» (شرح کبیر انقروی). شعر از دفتر دوم مثنوی است در شرح و تفسیر گفتن والی به آن مرد که خاربن‌ها را بر کن.

۳۶- گزینه «۳» مردم نیک از آب گوارای حکمت الهی انبیا و اولیا ارث می‌برند و آن میراث سر و حقیقت کتاب آسمانی است؛ از آنجا که نیکان، با انبیا و اولیا اتصال معنوی و سنخیت روحی دارند، می‌توانند به حقیقت معارف کتب آسمانی واقف شوند و این معارف، میراث آن بزرگان است. استاد فروزانفر گوید: میراث بردن مبتنی است بر اینکه میراث‌بر با میراث‌گذار قرابت نسبی یا سببی داشته باشد و از این اصل نتیجه می‌گیرند که مردان حق و اولیا، فرزندان و پیوستگان روحانی و معنوی پیامبران‌اند و این میراث، معرفت و احکام الهی است. مصراع دوم اشاره است به قسمتی از آیه ۳۲ سوره فاطر که می‌گوید: «سپس ما آن کتاب را برای بندگان برگزیده خود به میراث نهادیم.» شعر از دفتر اول مثنوی است در شرح و تفسیر دشمنی پادشاه جهود دیگر با نصرانیان.

۳۷- گزینه «۲» این عبارت در شعر حافظ بدین شکل آمده است: اثر نماند ز من بی شمایل آری / آری مآثرِ محیایِ منِ محیّاکِ

مفهوم: شعف و سرزندگی‌ام را از رخسارت می‌بینم (متوجه می‌شوم). شمایل: چهره، اندام.

آری: می‌بینم و می‌دانم، مآثر: آثار نیک، خوبی‌های نمایان. محیا: حیات، زندگی، محیای: زندگی من. من: از. محیّاک: روی تو.

معنی بیت: من نشانه‌ها و اثرات زندگانی خود را در سایه پرتو رخسار تو می‌بینم (دلیل زندگانی من تو هستی) از همین روست که در فراق تو و بی روی تو از من اثری نمانده است.

۳۸- گزینه «۱» شعر از منطق الطیر است، بخش عذر آوردن مرغان، شیخی که از سگی پلید دامن در نچید. قله. [ق ل ل] خم بزرگ یا سیوی بزرگ یا عام است و یا سیوی سفالینه. کوزه خرد (از اضداد است). مقدار سیصد صاع باشد از آب و در مذهب شافعی قلتین (دو قله) ششصد صاع باشد. چون کر است نزد امامیه که باتلاقی نجس بدون آنکه رنگ و بوی و مزه آن دگرگون گردد، پلید نشود. قله ظرفی است چون سیوی بزرگ که گنجایش بیش از دو مشک را دارد. مفهوم بیت درباره پلیدی درون است. شیخ با تمثیل سگ، پاکی و کثیفی درون و بیرون را مقایسه می‌کند.

۳۹- گزینه «۴» شعر از حدیقه سنایی الباب الاول: در توحید باری تعالی، فی الامثال و المواعظ، الفقر سواد الوجه و الدنیا دار الزوال و تغیر الاحوال و الانتقال است. چنانکه از نام این بخش پیداست، بحث از عبارت مشهور صوفیه یعنی الفقر سواد الوجه فی الدارین است. سیاه‌رویی دو عالم دقیقاً با ترجمه لفظ به لفظ همان سواد (سیاهی) الوجه فی الدارین (دنیا و آخرت) است.